

گفت و گو با دکتر ابراهیم موسی‌پور

ایجاد می‌کردد موضوع مطالعات تاریخ اجتماعی است. روابط مردم با جهان معنوی و مادی شان نیز از موضوعات مطالعات تاریخ اجتماعی است. نکته مهم این است که در تاریخ اجتماعی به جای تمرکز بر گزارش‌های تاریخی درباره سلطانی، شاهان، خاندان‌های حکومتگر، نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و در کل خواص، به زندگی مردم توجه می‌شود. البته این به منای صرف‌نظر کردن از زندگی خواص نیست، اما زندگی خواص از نظر تأثیری که بر زندگی عوام دارد مطالعه‌ی می‌شود. بررسی مورخ اجتماعی نوعی بررسی چندجایی است و باید گفت مورخ اجتماعی هرگز رابطه محض علی و معلولی را به صورت خطی، به این معنا که الف علت ب است، نمی‌پذیرد. مورخ اجتماعی همواره در جستجوی شبکه درهم‌تنیده‌ای از علتهاست و اگر شواهدی را پیدا کند، می‌کوشد سهم هر یک از اجزای تشکیل‌دهنده این شبکه درهم‌تنیده را در یک رویداد مشخص کند.

بنابراین مورخ اجتماعی باید باروش‌های گوناگون علمی آشنا باشد.

هم در روش و هم در زبان و گفتمان، تاریخ اجتماعی از علوم بسیاری باری می‌جویند: جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی زیستی و فرهنگی، روان‌شناسی اجتماعی، پدیدارشناسی تاریخی، ادبیات و زبان‌شناسی، تاریخ علم و فناوری، هنر، اقتصاد سیاست، دین‌شناسی و علوم گوناگون دیگر. اما نکته بسیار مهم این است که مورخ اجتماعی براي یافتن اطلاعات لازم برای مطالعه، باید به منابعی که تقریباً همه علوم پدید آورده‌اند مراجعه کند و به اصطلاح از ابتدا تا انتهای رهبرنده کتابخانه‌ها را جزء منابع تاریخ اجتماعی بداند. شما ممکن است کنید بخش بزرگی از اطلاعات ما درباره پوشش مسلمانان می‌گشته‌ای که در قرون اول تا چهارم در شبه‌جزیره عراق و شام می‌پوشیدند از کجا به دست آمد؟ از منابع

▪ **حسین بیاتلو**
▪ **شرق‌شناسی** در غرب پیشینه‌ای دیرینه دارد و بسیاری از حوزه‌های پژوهشی را دربرمی‌گیرد. در حوزه تاریخ نیز از جمله مباحثی که بدروزه در دهه‌های اخیر در غرب مطرح، و به آن بسیار توجه شده بحث تاریخ اجتماعی است. البته مدتی است که مطالعات تاریخ اجتماعی نوین در ایران نیز مدنظر قرار گرفته است. از آنجاکه تاریخ اجتماعی شاخه‌ای از مطالعات تاریخی و تمدنی در غرب است، در این گفت و گو چیزی تاریخ اجتماعی، فواید، و وضعیت فعلی آن در ایران بررسی شده است. دکتر ابراهیم موسی‌پور، دانش آموخته رشته ادیان و عرفان تطبیقی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، عضو هیئت علمی و مدیر گروه تاریخ اجتماعی بنیاد دایره المعارف اسلامی است.

▪ **با عرض سلام خدمت شما استاد گرامی، برای آغاز سخن می‌خواستم این پرسش را مطرح کنم که تاریخ اجتماعی چیست یا به عبارتی دیگر مورخ اجتماعی چه کاری انجام می‌دهد؟**

▪ **به ساده‌ترین بیان، تاریخ اجتماعی بررسی روابط اجتماعی در بستر تاریخ و بنابر شواهد و مستندات تاریخی است. مورخانی که مناسبات توزیع قدرت را در منابع تاریخی جستجو می‌کنند، در حوزه تاریخ سیاسی به کار پژوهش مشغولند؛ کسانی که مناسبات توزیع ثروت را بررسی می‌کنند، کارشان در حوزه تاریخ اقتصادی است، و مورخانی که روابط میان مردم و چگونگی مناسبات میان قدرت، ثروت و پیکره جامعه را مطالعه می‌کنند، مورخ اجتماعی هستند. چگونگی پیدایش و تحولات پدیده‌های فرهنگی و نقل و انتقال آنهایی موضوع تاریخ فرهنگی است. با این حال تاریخ اجتماعی، با تمام این رشته‌ها و بسیاری علوم دیگر روابط، همکاری و همپوشانی هایی دارد.**

▪ **این سخن به معنی بررسی آداب و رسوم و جزئیات زندگی مردم گذاشته است؟**

▪ **هسته آنچه در زندگی مردم معمول بوده از احساسات، عواطف، سلیقه‌ها، منش‌ها، ترجیحات باورها و حتی آنچه بعضی خرافات می‌خوانند تا چگونگی پخت‌وپز، شستشو، جمع‌آوری زباله، تفریحات، بازی‌ها، روابط خانوادگی و هرچه که نام آن را بتوان رابطه گذاشت موضوع تاریخ اجتماعی است.**

▪ **حتی روابط با حاکمان؟**

▪ **روابط مردم با دولت و حکومت نیز بخشی از این عرصه است. درواقع چگونگی تعامل مردم با حکومت‌ها یا مبانی و اصولی که براساس آنها حکومتی را به رسمیت می‌شناختند و مشروع می‌انگاشتند یا نمی‌پذیرفتند و در برایر اعمال حاکمیت اینها مقاومت می‌کردند. چگونگی پرداخت مالیات و باری دادن به حکومت در جنگ‌ها، ذهنیت اینها ازین تعامل و همچنین تأثیراتی که حکومت‌ها بر زندگی مردم داشتند و تغییراتی که در سبک زندگی آنها هر دوره**

▪ **معنی جزء علوم اجتماعی نیست، ولی با آن تعامل دارد؟**

▪ **بله، تاریخ است؛ بنابراین یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی، مثل جامعه‌شناسی بانسان‌شناسی، نیست؛ چون بالمر گذشته سروکار دارد (در برایر امر حاضر)، ولی هم از نظر روش و هم از نظر زبان و ترمینولوژی با علوم اجتماعی در تعامل مفصلی است. درواقع اگر مورخ اجتماعی اصول، مبانی و روش مشاهده را بحیثیتی را در علوم اجتماعی رانشناختی، به هیچ‌روی نمی‌تواند کاری**

تاریخی؟ خیر، بخش بسیار بزرگی از این اطلاعات از منابع فقهی و حدیثی استخراج شده است؛ مثل صحیح بخاری، سنت نسائی و کافی کلینی. مجموعه‌های شعری عربی، مثل الاختانی و یتیمه‌الدهر، نیز آنبوهی از این اطلاعات را به مامی دهند برای مثال اگر بخواهید در تاریخ اجتماعی زبانی شناسی مسلمانان تحقیق کنید هرگز متنی نخواهید یافت که نامش منطبق با چنین عنوانی باشد، بلکه باشد آثار ادبی عالمی و جاخط و ... بهویزه کتابهای با عنوان «المحسان والمساوی» یا بخش‌های مساوی و محسان بعضی از آثار ادبی را بخواهید وقتی عده‌ای مدعی می‌شوند که مانند توایم تاریخ اجتماعی زبانی شناسی مسلمانان را بنویسم، مشکلشان این است که با انگاهی به منابع می‌بینند که کتابی در اینباره در چهارده قرن تمدن اسلامی نداشت‌ایم، این در حالی است که مطلب را باید در جای دیگر جست. همین‌طور آثار فقهی بسیاری هستند که اطلاعات زیادی درباره زندگی روزانه مردم در عصرهای گوناگون دربردارند، ولی طبیعی است که فقا هرگز از این منظر به این منابع نگاه نکرده‌اند و اصلاح‌کارشان هم این نیست بلکه مرح اجتماعی است که باید با نگاه و بیرون از این منابع را بررسی کند. البته مراجعته به منابع فقهی و ادبی و هر منبع دیگر به منظور فرازء این در حالی است که مورخ مردم در عصرهای روش تحقیق ویژه و پیچیده‌ای نیاز دارد و این‌طور نیست که برای مثال تصمیم بگیرید که کافی شیخ کلینی را باز کنید و براساس آن زندگی روزانه شیعیان را در قرون اولیه هجری بنویسیدا منظور این است که مورخ اجتماعی آنها، به روش شناسی حدقیل کلیات علوم گوناگون و اصطلاح‌شناسی و شیوه‌مراجمعه به منابع گوناگون را بیاموزد تا بتواند اطلاعات سیار پراکنده موردنظر خود را از لبه‌لای این حجم عظیم منابع پیدا کند؛ برای مثال این سیار مهم است که در تحقیق درباره اینکه سقاها چگونه در شهرهای بزرگ اسلامی برای اطفای حریق احتمالی به نوبت در آماده‌باش شبانه‌روزی نگه داشته‌ی شدند، به کدام منابع مراجعته کنیم، به طور مسلم در دوره اسلامی کتابی نه درباره لباس‌های زنانه وجود داشته است و نه درباره آتش‌نشانی، ولی من مطمئن هستم که یک مرح اجتماعی مسلط و بالاراده حتی می‌تواند تاریخ اجتماعی زبانی شناسی پوشانگ زنانه یا تاریخ اجتماعی آتش‌سوزی و اطفای حریق را در تمن اسلامی بنویسد؛ هر چند هوش و پشتکار لازم برای چنین کارهایی چندان یافته نمی‌شود. درواقع مشکل اصلی پژوهشگرانی که درباره این موضوع ها را ناممکن می‌دانند آن است که با منابعی که باید به سراغشان بروند آشنا نیستند، به همین دلیل مرح اجتماعی باید اطلاعات کافی از علوم دیگر و منابع آنها باشد تا بتواند اجزایی بسیار خرد اطلاعات را از لبه‌لای منابع بسیار متفاوت و بی‌ربط بهم پیدا کند و به یکدیگر ربط دهد. یکی از همکاران ما که پژوهشگر ارجمندی در تاریخ علوم است، درباره خورشیدگرفتگی در مطالعات نجومی در دوره اسلامی پژوهش مفصلی انجام داده است. بخشی از پژوهش ایشان درباره جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی این پدیده در جهان اسلام بوده است. طبیعی است که در کتابهای نجومی که این محقق سال‌ها با آنها آشنا شده است از این دست اطلاعات یافته نمی‌شود و انا چار بوده است به منظور یافتن اطلاعات لازم برای پژوهش در بعد فرهنگی و اجتماعی خورشیدگرفتگی مانند مرح اجتماعی عمل کند و این‌باوری از منابع غیرنحوی را بینند. مانند کتابهای تاریخ عمومی، ادبیات، فقه و حدیث یا کسی که می‌خواهد درباره اختلاف، یعنی پیشگویی براساس جهیدن هریک از اجزای بدن انسان، در فرهنگ اسلامی مطالعه کند، برای مباحث مقدماتی و ماهوی باید به منابع پژوهشی، مثل الحاوی رازی، قانون بوعلی و ذخیره خوارزمشاهی، مراجعته کند. در اینجا باور در مقام مرح علم پژوهشی به سراغ این کتابهای نرفته است، بلکه در جایگاه مرح اجتماعی که رابطه مردم را با زیست جهان معنوی در حوزه باورهای پیشگویانه بررسی می‌کند، به اشاره به منابع تاریخ علم مراجعه کرده است.

تاریخ اجتماعی به مامی آموزد
که مردم به مسائل مشابه،
در موقعيت‌های مشابه،
پاسخ‌های مشابه می‌دهند.
این آموزه‌ای بسیار پراهمیت
است که هم در درک و
پیش‌بینی رفتار مردم و هم
در برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه به
ما کمک می‌کند. کسانی که بدون
داشتن این ایزار کار آمد به ازیابی و
تحلیل مسائل مربوط به مردم دست
می‌زنند، هم وقت و سرمایه‌بسیاری
را تباه می‌کنند و هم محال است
که بسیاری از افراد می‌توانند پاسخی مشابه را
مسائل دست یابند

و براساس توهمند، آرمان‌ها، حسرت‌ها و آرزوایدیشی خودشان درباره پاسخ‌های مردم به مسائل پیش‌بینی کرده و بدر اینکه بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اجتماعی ثبت شده در تاریخ، برنامه‌ریزی نموده‌اند و به همین دلیل با وجود صرف وقت و هزینه و به آواردن خسارت‌های وسیع شکست خورده‌اند. اینکه بعضی از افراد می‌پرسند فایده تدریس رشته‌های تاریخ چیست و عمل‌های می‌بینند که در برنامه‌ریزی های سیاسی، مطالعات تاریخی، سیمی در زندگی واقعی مردم ندارند، بیشتر ناظر به تاریخی است که امروز در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و اغلب پژوهش‌های این رشته هم هیچ ارتباطی به مسائل زندگی واقعی مردم می‌بینند که تاریخ اجتماعی می‌تواند زینه‌بیسیار مساعده‌یار ازیابی واقع گرایانه مدیران جامعه از وضع و حال مردم، تگریش، علاقه‌ها و سلیمانه، خواسته‌ها و تمایلات و ناخشنودی‌های آنها، عوامل ایجاد ناضیاتی در مردم، عکس العمل‌های آنها سبب است که برآنها و عملکردها شاخت عوامل مؤثر بر شکل گیری ذهنیت‌های آنها با تغییرات آنها و ... فراهم کند. من نمی‌خواهم این حرفها به این بدفهمی بینجامد که پس یک راه بسیار ساده وجود دارد که به‌فهمی مردم در چه می‌خواهند و چه خواهند کرد و روش‌های دیگر پژوهش در این مسائل ناکارآمد و بی‌فایده‌اند. به هیچ روشی چنین نیست. مسلم است که مسئله به این سادگی نیست که فرمولی وجود داشته باشد که بگوید اگر این برنامه را پیشنهاد کنیم مردم می‌پذیرند؛ چون پیش از این نیز برنامه‌های مشابهی را پذیرفتند و باعه عکس به برنامه‌ای گردن نمی‌بینند؛ چون در گذشته و در تاریخ مواردی وجود دارد که مرح اجتماعی با گذشته سرو کار دارد، اما این گذشته در حال مامتداد و جریان دارد. جامعه‌شناسان درباره مردم حاضر تحقیق می‌کند و نظر می‌دهد جه رسد به مردم آینده مرح اجتماعی با گذشته سرو کار دارد، اما این گذشته در حال مامتداد و جریان دارد. جامعه‌شناسان در اینکه ازیابی درباره مردم گذشته را دارد و نه حق دارد چنان کند. شاید جامعه‌شناسان یا روان‌شناسان با انسان‌شناس به خود حق بدهد درباره پاسخ‌های مردم به مسائل روز یا آینده پیش‌بینی کند، ولی مرح اجتماعی خود را بنابرایر، در مرحله گزارش، تبیین و تحلیل پاسخ‌های مردم گذشته به مسائل گذشته متوقف می‌کند و فقط نشان می‌دهد که مشابههای گذشته و امروز در کجا هست و از اینجا به بعد، هر کس می‌تواند با اینکه ازیابی درباره مردم گذشته را دارد و نه حق دارد چنان کند. بدین در گذشته - چه پاسخ‌هایی داده‌اند، شمامی توانید از نتیجه تبیین و تحلیل او را پیش‌بینی نیست، ولی وقتی با بررسی تطبیقی روشنمند خود، به شما می‌گوید که مردم در برابر مسئله‌ای مشابه، در موقعیت‌های مشابه طی تاریخ - در گذشته - می‌دانید کار مرح پیش‌بینی نیست، ولی وقتی با بررسی تطبیقی روشنمند خود، به شما می‌گوید که کنند. همان گونه که می‌دانید کار مرح پیش‌بینی نیست، ولی وقتی با بررسی تطبیقی روشنمند خود، به شما می‌گوید که اینکه کنند. همان‌گونه که می‌دانید کار مرح پیش‌بینی نیست، ولی نتیجه تبیین و تحلیل او را پیش‌بینی نیست، ولی اینکه در گذشته - چه پاسخ‌هایی داده‌اند، شمامی توانید از اینکه می‌تواند زینه‌بیسیار مساعده‌یار را پذیرفتند. مسلم است که در این مطالعه اینجا در تاریخ اجتماعی از اینجا به دست ایجاد شده است. اینکه حسرت زندگی هر جامعه عبارت است از مردم حاضر، یعنی افراد زندگ ناجمعبه، همراه نیاکانشان که در گذشته می‌زیستند و نیز پیوندهایی که با بستگانشان در سرزمین‌های دیگر دارند و پیوندهای ذهنی و عینی شان با مردم جوامع دیگر این هستند. بلکه جمعیت واقعی هر جامعه عبارت است از مردم حاضر، یعنی افراد زندگ ناجمعبه، همراه نیاکانشان که در گذشته ایجاد شده است که باید در پژوهش‌های ای و نگرانه باز جسته شوند و فقط جامعه حاضر در نظر گرفته شود. این کاری است که به‌ویژه و بیش از همه از روش تاریخ اجتماعی بررسی آید و به همین دلیل نایاب از این مطالعات غفلت کرد. پیچیدگی تاریخ اجتماعی و درواقع حساس‌ترین بخش روشی آن در اینجاست که باید مشابههای را در چهار رکن مردم، مسائل، موقعیت‌ها و پاسخ‌ها به درستی کشف کند. اگر اشتباهی در هر یک از قسمت‌ها رخ دهد یا اگر مشابههای به طور کامل در هر یک از چهار مبحث کشف نشوند، تحلیل نهایی به محاکمه خواهد افاد و ازیابی واقع گرایانه‌ای به دست خواهد آمد. ضمن آنکه در و انکاری دلیل یا غیر منصفانه مشابههای نیز سبب عقیم ماندن این شیوه تبیین و تحلیل خواهد شد. وقتی شمامی پرسید چرا سیر تجد در ایران و زاپن که کمایش در مقطع زمانی مشابههای و بلکه یکسانی آغاز شد، به نتیجه مشابههای منجر نشده است، حق دارید از وجود مسئله و موقعيت کمایش مشابههای صحت کنید، اما مردمی مشابههای در این مورد با هم مقابله نمی‌شوند و به طور طبیعی نمی‌توانند انتظار داشته باشید که یا پاسخی مشابههای پیدا کنند. اما وقتی موضوعی مثل تجدد آمرانه یا سیر یکسان‌سازی متوجه آمرانه را در ایران عصر رضاشاه را با همین سیر با اقدامات مشابههای در دوره‌های متاخرتر در ایران بررسی کنید، اگر مردم هم کمایش مشابههای همان مردم باشند، بسیار محتمل خواهد بود که بتوانید پاسخی مشابههای را از سوی مردم حاضر پیش‌بینی کنید. در مثالی دیگر، درباره شیوه مدیریت و برنامه‌ریزی درباره اقلیت‌های قومی با دینی

و مذهبی نیز در اغلب موارد مشابهت‌ها در هر چهار مبحث موردنظر برقرار است؛ یعنی می‌توان با ضریب اطمینان بیشتری از این نظر به ارزیابی دست زد.

◆ در پایان شما وضعیت مطالعه تاریخ اجتماعی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چه کسانی در این زمینه به پژوهش‌گذاری نداشتند؟

در دانشگاه‌های ما رشته تاریخ اجتماعی وجود ندارد و از این‌رو بدون طی شدن چند نسل از دانشجویان آموخته‌دیده که کم کم به استادی در این رشته برستند و سپس تحقيقات متعددی در این حوزه انجام دهنده، نمی‌توان انتظار داشت

که چهارهای شاخصی در این شاخه از مطالعات تاریخی در ایران داشته باشند. درست است که عدمی براساس ذوق و علاقه خاص خودشان پژوهش‌هایی در تاریخ اجتماعی اسلام و ایران در داخل کشور انجام داده‌اند که شاید کارهای خوب و

پسندیده‌ای هم باشند، ولی مشخص‌انمی توایم حتی یک‌نفر را در داخل کشور نام ببریم که پژوهشگر بنامی در حوزه مطالعات تاریخ اجتماعی باشد. ما هنوز بر سر توجیه مسئولان گسترش

رشته‌های دانشگاهی درباره ضرورت و اهمیت این رشته مشکلات اساسی داریم. من از سال ۱۳۸۵ تا امروز به کمک بعضی از همکارانم طرح‌هایی برای تأسیس رشته‌ها دست کم گرایش‌هایی از تاریخ اجتماعی اسلام و تاریخ اجتماعی هنر

اسلامی به بعضی از دانشگاه‌ها راهه کرد، اما تاکنون گسترش بحث‌های آشفته و شنیدن اینکه بنیه و امکانات علمی کافی برای تأسیس این رشته‌ها وجود ندارد پاسخ دیگری نشنیده‌ام. برخی از دوستان ما هم در دانشگاه‌های این موضوع را به کلی

از چهارچوب علمی و حرفه‌ای آن بیرون می‌برند و نقدهایی می‌کنند که به نظر من فقط برآمده از دلوایی‌های آکادمیک نیستند. لبته من به همه آنها حق می‌دهم؛ چون تجربه این استادان در فضای دانشگاهی دربرابر این حرکت‌های تازه بسیار منفی و ناخوشایند بوده است. وقتی با چنین پیشنهادهایی رویه‌می‌شوند ذهن آنها بر نکات منفی، مشکلات و امکان

به بیاره و فتن این طرح‌ها تمرکز می‌شود و درنتیجه ترجیح می‌دهند از همکاری، و کمک به اجرای طرح‌های تازه بپریزنند. در حالی که من با راهه این همکاران متذکر شده‌ام که کسانی که حداقل صلاحیت را برای تأسیس این رشته دارند، اگر

دست روی نسبت بگذارند، ضرورت اجتماعی کار خود را خواهد کرد و بالاخره، کسانی دیگری این طرح‌ها را بر عهده می‌گیرند که شاید به مراتب از صلاحیت و توانایی‌های کمتری برخوردار باشند و این ترتیب خسارتی که این منتقلان می‌خواهند جلویش را بگیرند، به شکل گسترده‌تری و در جای دیگر به بار خواهد آمد. درباره وضعیتی که در داخل کشور برای دانشگاهی شدن این رشته از مطالعات تاریخی وجود دارد باید گفت.

کمابیش همان مسیری در حال طی شدن است که هنگام دانشگاهی شدن این رشته در غرب و بهویزه امریکا طی شد. در آنج نخست عده‌ای به مطالعه زندگی مردم به جای زندگی

خواص علاوه‌مند شدند و کارهای پراکنده‌ای اغلب شامل جمع آری انبوی از اطلاعات درباره موضوع‌های گوناگون تاریخ اجتماعی به چاپ رسید و کم کم این مطالعات به سبب کاردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اش اهمیت خود را

ثابت کرد و پس از بحث‌ها، مجادلات و کشمکش‌های بسیار به صورت رشته‌ای دانشگاهی درآمد و البته به سرعت

جمعیت واقعی هر جامعه عبارت است از مردم حاضر، یعنی افراد زنده جامعه، همراه نیاکانشان که در گذشته می‌زیستند و پسندیده‌ای که باشند. نیاکانشان در سرزمین‌های باستانی دارند و بیوندهایی دیگر دارند و عینی شان با مردم جوامع دیگر. این هویت جمعی تاریخی پر از وابستگی‌ها به مردم دیگر است که باید در پژوهش‌های واقع‌نمکانه باز جسته‌شوند



در آثارش است. ||

زحماتشان به تعییری پایه‌هایی برای این رشته جدید در داخل کشور به شمار می‌آید.

در حال حاضر توجه بیشتر و در عین حال روشمندتری به مطالعات تاریخ اجتماعی در ایران شده و عده‌ای به شکلی کاملاً مؤثر، بیشتر مطالعاتشان را در حوزه تاریخ اجتماعی سامان داده و بهویزه با بررسی استناد یا دست کم چاپ کردن آنها کمک بسیاری به این گونه مطالعات کرده‌اند. من و همکارانم در گروه تاریخ اجتماعی اسلام، که در سال آن را در بنیاد دایرۀ المعارف اسلامی تأسیس کردیم، ده‌ها مقاله در شاخه‌های گوناگون زندگی روزانه، تاریخ تشكیلات و اصطلاحات نظامی، انتظامی، دیوانی و بوروکراسی دولت‌های اسلامی، آموخت و پروردش و انتقال علوم تولید کرده‌ایم و امیدواریم مجموعه این تلاش‌ها حتی اگر نتوانیم با اطمینان همه آنها را پژوهش‌های صدرصد منطبق بر اصول مطالعات تاریخ اجتماعی بخواهیم - زمینه پدید آمدن شاخه معرفتی و پژوهشی تازه‌ای در ایران فراهم کرده باشد و دست کم نسل‌های بعدی برای تولید آثاری ممتاز و شاخص در این زمینه، دشواری‌هایی کمتری داشته باشند. اما کسانی دیگری بوده که در این زمینه تلاش کرده و با عرضه آثار و تحلیل‌هایشان نشان داده‌اند که ذات نگرش و پژوهش تاریخی به روشنی در مطالعات تاریخ اجتماعی جلوه‌گر می‌شودند. در تاریخ‌های سنتی سیاسی‌اندیش؛ یعنی می‌خواهیم بگوییم وقتی این دست آثار را می‌خواهیم احساس خوشبایندی به خود علم تاریخ پیدا می‌کنید، احساس می‌کنید که می‌شود به مورخان و ارزیابی‌هایشان اعتماد کرد و از آنها برای ارزیابی اوضاع امروز جامعه تحلیل و حتی راهکار خواست؛ کاری که مورخ اجتماعی انجام نمی‌دهد، ولی فلسفه‌باف به راحتی به آن دست می‌زند؛ یعنی حرف‌زدن بدون انتکا و عنایوں آثارشان گاه این توهمندی از اطلاعات تاریخی، شما کسانی را در ایران می‌شناسید که استاد فلسفه‌ی اعلوم سیاسی بوده‌اند و آثار انتقادی متعددی هم درباره ایران معاصر نوشته‌اند و عنایوں آثارشان گاه این توهمندی به وجود می‌آورد که آنها تاریخ اجتماعی نوشته‌اند، ولی وقتی شووا جمع‌آوری و گرینش اطلاعات را در آثارشان می‌بینید و چگونگی تبیین عوامل و توجیه دلایل را در این آثار بررسی می‌کنید، درمی‌باید که فقدان داشش و مهارت و نداشتن درکی ابتدایی از روش تحقیق تاریخ و روش شناخت تاریخی، چگونگی ارزیابی آنها را به بیاره برد و تحلیل‌هایشان را در حد بک اظهار نظر شخصی فروکشته است. خیلی ساده است، مورخ با آنچه اتفاق افتاده است سروکار دارد نه بازآفرینی ذهنی رویدادها. مورخ حدس نمی‌زند و نمی‌گوید قاعده‌ای باید چنان بوده باشد بلکه هر جایی که سندی ندارد می‌گوید در این راه اطلاعی در دست نیست. از همه مهمتر این است که مورخ برای امر گذشته تاریخ می‌نویسد نه امر حاضر، که کار جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و انسان‌شناسی است. شما با همین معیارهای ساده، که اصول اولیه روش پژوهش در تاریخ‌اند، به بررسی آثار موجود دست زنید و بینید چند اثر از نویسنده‌گان مدعی امروز را می‌توانید تاریخ اجتماعی به شمار آورید. مهم ترین و بزرگ پژوهشگر تاریخ اجتماعی، جدا از تبیین‌ها و تحلیل‌هایش، وفاداری به روش پژوهش، انصباط در تحقیق و پژوهی‌های علني در تحلیل و تعلیل پدیده‌ها